

محمد

پیامبر صلح در گرماگرم ستیز امپراتوری‌ها

هوان کُل

مترجم

صالح طباطبایی

سرشناسه	کول، خوان ریکاردو، ۱۹۵۲ - م.	Cole, Juan Ricardo
عنوان و نام پدیدآور	محمد پیامبر صلح در گرما گرم ستیز امپراتوری‌ها/ هوان کل؛ مترجم صالح طباطبایی.	
مشخصات نشر : تهران: روزنه، ۱۳۹۸.		
مشخصات ظاهری	۲۵۰ ص.	
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۲۳۴-۱۳۲-۹	
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبیا	
یادداشت	Muhammad, prophet of peace amid the clash of empires, 2018: عنوان اصلی:	
موضوع	محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- سرگذشتنامه	
موضوع	Muhammad, prophet-- Biography	
موضوع	اسلام -- منشاء	
موضوع	Islam--Origin	
شناسه افزوده	طباطبایی، صالح، ۱۳۴۴ - مترجم	
رده‌بندی کنگره	BP۲۲/۹	
رده‌بندی دیوئی	۲۹۷/۹۳	
شماره کتابشناسی ملی	۵۶۹۶۸۶۰	



محمد: پیامبر صلح در گرما گرم ستیز امپراتوری‌ها

هوان کل

ترجمه: صالح طباطبایی

طرح جلد: امید محکمی

چاپ اول: ۱۳۹۸

قیمت: ۵۹۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: پالیز

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۸۵۳۷۲۰ - ۸۸۸۵۳۶۳۱ ☎️ شماره: ۸۶۰۳۴۳۵۹



www.rowzanehnashr.com



rowzanehnashr



rowzanehnashr

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۳۴-۱۳۲-۹ ISBN: 978-622-234-132-9

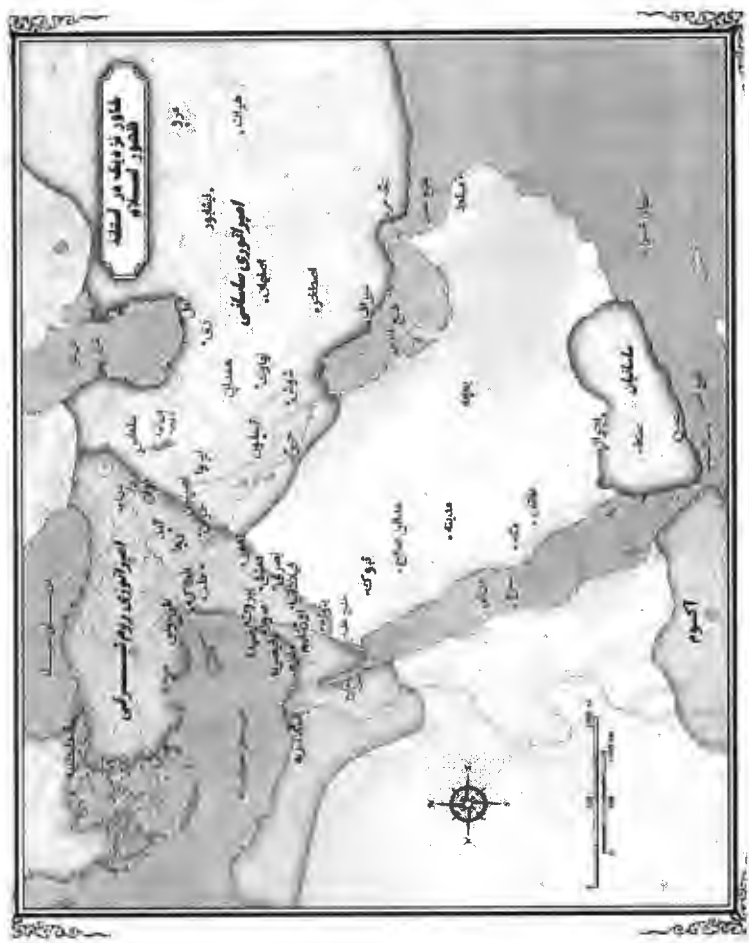
تمام حقوق برای ناشر محفوظ است ⚙️



هُوان کُل Juan Cole (زادهٔ ۱۹۵۲) استاد امریکایی رشتهٔ تاریخ در دانشگاه میشیگان و نویسندهٔ کتاب‌ها و مقاله‌های پُرشمارى دربارهٔ جهان اسلام است. در مقام اندیشمندی مورد احترام عموم خوانندگانش، نویسنده و خالق وب‌نوشتار معروف *Informed Comment* است که جوایزی دریافت داشته است و سالانه به صورت میانگین چهارونیم میلیون بازدیدکننده دارد. در بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی، از جمله در ساعت خبر PBS، برنامهٔ ریچل مادو، اندرسن کوپر ۴۶۰، نایت‌لاین ABC، و کالبرت ریپورت، حاضر شده است. او در آن اربور *Ann Arbor* زندگی می‌کند.

تصاویر کتاب

- فصل ۱** «بتراء: بناهای کنده شده در دل صخره‌ها»، چاپ سنگی از لویی هاگ از روی نقاشی‌ای اثر دیوید رابرتس، از David Roberts, *The Holy Land, Syria, Idumea, Egypt, Nubia*. Prepared by Louis Haghe. 1st ed. London: F. G. Moon, 1842–1849. 3 volumes.
با کسب اجازه از کتابخانه کنگره
- فصل ۲** «فرشته». مرکب و زر بر کاغذ. ایران، سده دهم هـ ق. / شانزدهم م. با کسب اجازه از موزه هنر متروپولیتن
- فصل ۳** بیتایل الهه نبطی
Bjorn Anderson, University of Iowa (photograph in private collection)
(CC BY-SA 3.0), via Wikimedia Commons
- فصل ۴** «چهار برادر اهل مدینه که اسلام آورده‌اند می‌کوشند پدر مشترکشان را مسلمان کنند»، سیر النبی، عثمانی، ۱۰۰۳ هـ ق.
با کسب اجازه از مجموعه اسپنسر، کتابخانه عمومی نیویورک
- فصل ۵** «سموئیل داود را مسح می‌کند»، صفحه سیمین برای امپراتور هراکلیوس، قسطنطنیه، ۶۲۹–۶۳۰ م.، با کسب اجازه از موزه هنر متروپولیتن
- فصل ۶** تصویر از [منظومه] فتوح الحرمین، محیی‌الدین لاری، بخارا، سده دهم هـ ق. / شانزدهم م.، با کسب اجازه از موزه هنر متروپولیتن
- فصل ۷** برگه‌ای از قرآن، از نسخه خطی والترز ۵۵۳۷. حاوی آیاتی از سوره اعراف به خط کاتبی از اوایل دوره عباسی (خط کوفی) بر پوست. سده سوم هـ ق. / نهم م.
- سخن پایانی** «مکه، ۱۲۰۱ ق. / ۱۷۸۷ م.»، مداد، مرکب، آب‌مرکب و آبرنگ طوسی، لویی نیکلا دو لسیپناس، فرانسوی، ۱۷۳۴–۱۸۰۸ م.، با کسب اجازه از کریستی



مقدمه

دین اسلام، در سده هفتم م. در برابر پس‌زمینه‌ای از بازی تاج و تخت میان امپراتوری روم و امپراتوری ساسانی ایران که قریب سه دهه با سبعت بی‌بدیلی با یکدیگر جنگیدند، در دنیای نو سر برآورد. سپاهیان این دو امپراتوری در سراسر خاور نزدیک و هلال خصیب و آسیای صغیر و شبه‌جزیره بالکان خونریزانه به این سو و آن سو تاخت‌وتاز می‌کردند. با آن‌که قرآن این نکته را روشن می‌سازد که نبرد میان این امپراتوری‌های رقیب، که معاصران‌شان آن‌ها را «دو چشم زمین» می‌خواندند، زمینه‌ای لازم برای رسالت پیامبر اسلام بود، تاریخ‌نگاران تنها به تازگی کوشیده‌اند که با عنایت به این زمینه تاریخی به کاوش‌هایی درباره زندگی و اندیشه پیامبر بپردازند.^۱ این کتاب بر آن است تا تفسیر دوباره‌ای از اسلام نخستین در مقام نهضتی سخت متأثر از ارزش‌های صلح‌ورزانه، در واکنش به کشتار حاصل از دهه‌ها جنگ و کشمکش دینی ملایم آن، به دست دهد. از جنگ‌های صلیبی تا دوران استعمار، نزاع‌های مسیحیان و مسلمانان به این گرایش در میان نویسندگان بهره‌مند از میراث اروپایی دامن زد که تنها بر مسئله اسلام و جنگ تمرکز کردند و از جنبه صلح و تعاون غفلت ورزیدند.^۲ در قرآن، هم از صلح سخن رفته است و هم از جنگ، هم‌چنان که در کتاب مقدس نیز چنین است؛ در آن‌چه از این پس می‌آید، هم صلح و هم جنگ مورد تحلیل قرار خواهند گرفت، ولی این بار تمرکز اصلی بر صلح است.

کتاب حاضر به جای آن که بکوشد توضیح دهد که مسلمانان درباره کتاب مقدس شان چه می‌اندیشند،^۲ قرآن را در بستر تاریخی‌اش بررسی می‌کند. قرآن بر آزادی عقیده و رواداری و گذشت نسبت به دشمنان پای می‌فشارد و از جنگ ناموجه و یورشگرانه بازمی‌دارد. قرآن به همه موحدان درست‌کار، و نه فقط به پیروان پیامبر اسلام، مژده رستگاری می‌دهد. بسیاری از بیگانگان و جمع‌نچندان کم‌شماری از مسلمانان هیچ‌یک از این اوصاف را به آن نسبت نداده‌اند، بلکه غالباً آن را چنان تفسیر کرده‌اند که گویی عکس آن را تأیید می‌کند. این حقیقت نشانگر آن است که قرآن تا چه حدی مورد سوء فهم واقع شده است. دلایل فراوانی برای چنین سوء فهمی می‌توان برشمرد، از جمله مرام‌های سلطه‌گرانه امپراتوری‌های متأخر بیزانسی مسیحی و عباسی اسلامی، وجود مشکلاتی در تفسیر نص قرآن، و ناتوانی در قرائت نص در قیاس با متون رومی و ایرانی معاصرش، که به این شیوه می‌توان ارزش‌ها و دغدغه‌های قرآن را در برابر ارزش‌ها و دغدغه‌های کسان دیگری که در آن دوره می‌زیستند قیاس کرد و سنجید.^۳

یورش ایرانیان به قلمرو روم از ۶۰۳م. به بعد استقلال عربستان غربی، پایگاه پیامبر اسلام، را به مخاطره افکند. فتح اورشلیم از سوی ساسانیان در ۶۱۴م. در نظر معاصران همچون فاجعه‌ای آخرالزمانی جلوه کرد و واکنش رمزآمیزی را از سوی پیامبر در پی داشت. خوانش دقیق قرآن نشان می‌دهد که رنج و اندوه پیامبر از این قتل عام دوران او را بر آن داشت تا نیمه نخست دوره پیامبری‌اش (۶۱۰-۶۲۲م.) را به اندیشیدن درباره تأسیس گونه دیگری از جامعه که بر پایه‌های استوار آیین صلح‌دوستی بنا شده باشد سپری کند. قرآن بارها به مؤمنان امر می‌کند که بدی را با خوبی پاسخ گویند [(۱۳: ۲۲، ۲۳: ۹۶، ۲۸: ۵۴، ۴۱: ۳۴)]، از آزاردهندگان‌شان درگذرند [(۵: ۱۳، ۲۴: ۲۲، ۴۳: ۴۴، ۸۹: ۶۴، ۱۴: ۱۴)]، و برای کسانی که آنان را مورد هجوم قرار دادند صلح بخواهند [(۴: ۹۰، ۸: ۶۱)]، این آیات بستر تاریخی کلان‌تری نیز دارد، و آن بروز کشمکش‌های خونینی است میان مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان و بازماندگانی از

مشرکان بت‌پرستی که در نزاع میان امپراتوری‌ها که پیرامون‌شان درگرفته بود جانب یک طرف را گرفتند. محمد^ص در این سال‌ها بیش از آنچه معمولاً تصدیق کرده‌اند به عیسی که «موعظه بر فراز کوه» [متی: ۵-۷] را بیان داشت می‌ماند.

پژوهشگرانی هم کوشش‌های فزاینده‌ای کرده‌اند تا نیمهٔ دوم دورهٔ پیامبری محمد^ص (۶۲۲-۶۳۲م.) را به آرایش‌های رزمی روم و ایران ربط دهند و حتی اشاره کرده‌اند که شاید هجرت پیامبر از زادگاهش مکه به مدینه با مناسبات سیاسی رومی پیوند داشته باشد.^۵ دلایلی می‌آورم تا نشان دهم که مسلمانان صدر اسلام آشکارا هم‌پیمان امپراتور مسیحی، هراکلیوس (سلطنت: ۶۱۰-۶۴۱م.) بودند، و پیامبر نبردهای دفاعی‌اش را در برابر مشرکان پرخاش‌جوی در جاهایی چون بدر و اُخُد در عربستان غربی همچون حمایت از کلیساهای رومی آن سوی رود اردن و سوریه (شام) در شمال می‌دید. محتمل است که مشرکان عرب جنگ‌افروز نیز با شاهنشاه ایران هم‌دست و هم‌پیمان بوده باشند.

کوتاه‌سخن آن‌که اسلام، نه کم‌تر از مسیحیت، دینی غربی است که در آغاز در [قلمرو] امپراتوری روم بالنده شد. وانگهی، محمد^ص خویش را همچون هم‌پیمان غرب می‌دید. پیامبر در آن سال‌های یورشگری‌های مشرکان از گزینهٔ صلح دست نکشید، ولی به آموزهٔ «جنگ عدالت‌خواهانه»، نظیر آن‌چه از سیسرون و اندیشمندان مسیحی اواخر عهد کهن سراغ داریم، گرایید. او بارها درخواست صلح با مکیان ستیزه‌جو را پیش کشید، ولی چون ناکام ماند، مدینه را برای دفاع مشروع در برابر دشمنان سرسخت مشرک سازمان‌دهی کرد. قرآن تأکید می‌ورزد که جنگ یورشگرانه نادرست است و این‌که اگر دشمن از در ترک مخاصمه برآید، مسلمانان موظفند که درخواستش را اجابت کنند. این منع جنگ یورشگرانه و کوشش برای یافتن راه چاره حتی در میانهٔ درگیری سخت عنوان «پیامبر صلح» را زببندۀ محمد^ص می‌سازد، هر چند که او گاه به نبرد دفاعی در برابر دشمنانش وادار شد. قرآن آموزهٔ جنگ عدالت‌خواهانه را در خود دارد، ولی از جنگ مقدس سخنی نمی‌گوید و از واژهٔ جهاد در این مفهوم اخیر بهره نمی‌برد. هنگامی که بی‌گناهان و آزادی عقیده در معرض تهدید

قرار گیرند، قرآن به جنگ همچون ضرورتی نافرخته ولی ناگزیر می‌نگرد. قرآن از کین‌خواهی فراقانونی به سختی بازمی‌دارد و کشتن عمدی غیرجنگ‌جویان (مردم عادی) را با نسل‌کشی برابر می‌شمارد و از این نظر گویی شروح یهودی کتاب مقدس را در تلمود اورشلمی بازمی‌گوید.^۶

اگر قرآن به‌سنجیدگی در کنار تواریخ متأخرتر خوانده شود، روشن می‌گردد که اسلام در طول زندگی پیامبر به شیوه‌ای صلح‌آمیز در شهرهای عمدهٔ عربستان غربی انتشار یافت. قدرت نرم پیام معنوی قرآن معمولاً در عمدهٔ مطالعاتی که به این دوره پرداخته‌اند دست‌کم گرفته شده است. تصویر محمد^ص و دوران صدر اسلام، آن‌چنان‌که از خوانش دقیق قرآن در خصوص مضامین مربوط به صلح برمی‌آید، نه تنها با دیدگاه‌هایی که در غرب در این باره رواج گسترده‌ای داشته‌اند که حتی با عمدهٔ سنت اخیر تاریخ‌نگاری اسلامی هم‌خوانی ندارد. چنین یافته‌ای جای شگفتی ندارد. زندگی در جوامع خاوندی (فئودالی) سده‌های میانه تعالیم صلح‌جویانه را تشویق و تبلیغ نمی‌کرد، و مسلمانان در سلسله‌های سلطنتی اخیر پیوند خود را با واقعیات اوایل سدهٔ هفتم م. از دست داده بودند. چه می‌شد اگر ما زندگی عیسی را می‌خواندیم و تنها از منظر پاپ اوربانوس دوم، که جنگ‌های صلیبی خون‌بار را در سرزمین مقدس با شعار «این ارادهٔ خداوند است!» به راه انداخت، می‌اندیشیدیم؟!^۷

حتی امروز چنین می‌نماید که بسیاری از پژوهشگرانی که دربارهٔ صدر اسلام تحقیق می‌کنند بی‌دلیل آراء مفسران اخیر سده‌های میانه را محترم می‌شمارند. دیگرانی نیز هستند که همهٔ اطلاعات موجود در آن مأخذ را با تندرستی نادرست می‌خوانند و با تواریخ اسلامی به شیوه‌ای متفاوت با وقایع‌نامه‌های بی‌زاسی و عهد کارولنژیان برخورد می‌کنند و دوباره غیراروپاییان را مردمی بدون تاریخ برمی‌شمارند. اگر به قرآن گوش سپاریم، با ما دربارهٔ این تاریخ سخن می‌گوید و آن‌چه را در کتاب‌های اخیر سیرهٔ پیامبر پذیرفتنی است به ما بازمی‌گوید.^۸